



۲۰۱۹/۰۳/۲۰

م. اسحاق نگارگر

## بحران مغلق فکری در میان مسلمانان



این هم یادداشتی از چهار سال پیش در باره بحران مغلق فکری در میان مسلمانان

۲۰۱۵/۰۳/۲۰

\*\* \* \*\*

### در باره بحران مغلق فکری در میان مسلمانان

امروز باز بمی دیگر در شهر کابل منفجر گشت و هفت تن هموطن دیگر ما را از دهای مرگ فرو بلعید. آن هفت نفر کم از کم به هفتاد خانواده به خاطر رابطه های قومی، خویشی و دوستی پیوند می خوردند و بدین ترتیب آن گلیم عزا که سال های دراز مردم را بر آن نشانده ایم، گسترده تر هموار گردید. آخر این سنگ های صبور چه مقدار می توانند درد و غم را تحمل کنند؟

اگر دست قدرت این همه اشک را که مردم در این سی و پنج سال ریخته اند جمع و یک باره رهاش می کرد جهان در یک طوفان نوح دیگر غرق می شد. من تُلث آن حال و حوصله را که داشتم؛ دیگر ندارم و با اکراه دست به قلم می بزم تا غمنامه بنویسیم و به هموطن خود تسلی بدهم که این غمداستان به پایان می رسد ولی چه وقت؟ هیچکس نمیداند. مردم در زیر بار این همه غم گرفتار تعمیم های ناقص و قضاوت های عجولانه می شوند.

برادرزاده خودم نوشته است: "کاکا جان دلم از جنس مرد بد شد."

تعمیم ناقص از دیدگاه منطق همین است که ما عمل فرد یا افراد را به جنس شان نسبت بدهیم یعنی قضاوت را تا سطح جنس عام بسازیم. این تعمیم برای ما در زندگی درد سرهای فراوان ایجاد می کند و در میان زن و شوهرها درز می اندازد. به هر صورت نمی خواهم از مقصود خود دور بیفتم. در نگارش قبلی خود از "بحران فکری بسیار مغلق و پیچیده مسلمانان" صحبت کرده بودم. دوستی مقصودم را از این بحران مغلق و پیچیده پُر سیده است و من اگر چه هیچ حال و حوصله نگارش را ندارم و هنگامی که پُشت میز برای نوشتن می نشینم پاهایم به خاطر آرتروز ورم میکند و پسر داکترم که همانند هر طبیب به اصطلاح از دل بیغم دستورهای طبی میدهد به مادر خود میگوید که جلو پُشت میز نشستیم را بگیرد و او هم وقتی در اتاقم می آید و مرا پُشت میز می یابد مُشت کوچک خود را گره کرده فریاد میزند: "بزنم کتی مُشت ده امی کله کلت تو باز پُشت میز استی؟" و من می گویم "بزن که دیگران دلم را با

سنگِ ملامت شکسته اند تو هم کله ام را با مُشتِ ملامت بشکن!!! اما می خواهیم به صورتِ یک لست آنچه را من بحران فکری مغلق و پیچیده مسلمانان میدانم بنویسم. و بحثِ مفصل را در این مورد به فرصتی دیگر بگذارم.

۱- بزرگ ترین نشانه این بحران فکری در این مسأله ظاهر می شود که در جهان امروز مسلمانان نه با همدیگر خود می سازند و نه با دیگر ادیان. امروز وقتی می بینی که مسلمانان تبر برداشته اند و نخل های باغ خود را پی می کنند غیر از اینکه به حال شان گریه کنی هیچ کاری دیگر از دستت بر نمی آید. امروز سنی و شیعه همدیگر خود را می کشند و هنگامی که دلیلش را بررسی هر دو پاسخ میدهند که رافضی و ناصبی هر دو کافرند و اگر یکدیگر را کافر ندانند عمل خود را "توطئه خار جیان"!!! می خوانند.

• امروز وقتی می بینی که مسلمانان تبر برداشته اند و نخل های باغ خود را پی می کنند غیر از اینکه به حال شان گریه کنی هیچ کاری دیگر از دستت بر نمی آید.

• امروز سنی و شیعه همدیگر خود را می کشند و هنگامی که دلیلش را بررسی هر دو پاسخ میدهند که رافضی و ناصبی هر دو کافرند و اگر یکدیگر را کافر ندانند عمل خود را "توطئه خارجیان"!!! می خوانند.

۲- مسلمانان سخت از کاروان نهضتِ علمی جهان عقب مانده اند. برنامه های درسی شان کهنه و فاقد هدف های روشن است و در پروگرام های درسی خود به ریاضی، فلسفه، کیمیا، فزیک و حتی منطق که اصول تفکر صحیح و سیستماتیک را به دست می دهد هیچ توجه ندارند.

۳- مسلمانان به خرج حال و آینده سخت در اسارت گذشته باقی مانده اند به جای "داریم" و "خواهیم داشت" به "داشتیم" افتخار می کنند. دُرُست است که دنیای اسلام ابن سینا، ابن هیثم، ابوریحان بیرونی و بسیاری های دیگر را داشته است ولی آیا در ویرانه نشستن و گریه سردادن برای اینکه این ویرانه روزگاری قصری عالیشان بوده است می تواند دردی را دوا کند و عملی خردمندانه باشد؟

۴- مسلمانان هدفِ بهتر ساختن این جهان را کاملاً کنار گذاشته اند و به ملت های گدا بدل شده اند و حال آنکه پیامبر اکرم (ص) گفته بود که اُمّت من دست دهنده باید داشته باشد و نه زبان سؤال برای گدایی. علمای عنعنوی در باره عرض و طول ریش و حُرمت موسیقی و تصویر بحث های بی ثمر می کنند (بی ثمر بدین دلیل که موسیقی و تصویر یکی از ایجابات عصر ماست و کسی به حرف شان پیاز هم پوست نمی کند). ولی از علوم معاصر تقریباً به کلی غافل مانده اند و اگر دیروز نظام هوادار روس در افغانستان ضابطان ماشینی تحویل میداد؛ علمای مسلمان جوانان را به شیخ های ماشینی بدل می کنند. وضع مسلمانان بسیار مشابه به حکایت همان منجم در گلستان حضرت سعدی است یعنی:

### تو بر اوج فلک چه دانی چیست؟ چون ندانی که در سرایت کیست؟

۵- ملت های مسلمان برای عقب مانندی خود دیگران را ملامت می کنند. اینان موسیقی، هنرهای زیبا، تئاتر و تمام آن فعالیت های که قریحه را پالش میدهد بدون احکام قطعی و نصوص صریح دینی بر خود حرام کرده اند و برای اینکه انکشاف قدرت تفکر و کنجکاو استبداد حاکم بر این کشورها را مورد سؤال قرار ندهد سدّی بزرگ در برابر آزاد فکری ساخته اند؛ نوروژ را بدعت می نامند ولی در باره سلطنت های استبدادی گنگ می شوند و نمی گویند که

خانه حلم و تقوا را همین بدعت ویران نموده و بازار ریاکاری را رونق داده است پیامبر اکرم (ص) به دل‌ها شادمانی و قوت می‌بخشید زیرا او میدانست که دل‌های نومید و غمگین تیره و سیاه می‌شوند. مصیبتی بالا تر از این می‌توانید به من نشان بدهید که پیروان آی سبل مسلمان تر از حضرت محمد (ص) گردیده‌اند و به جان مجسمه‌های تاریخی که تجلی‌دهنده ظرافت و دقت فکری اجدادشان است تبر برداشته‌اند و همه را ویران می‌کنند.

۶- در اسلام عدالت بسیار مهم است ولی مسلمانان عدالت را به دست غوغای عوام سپرده‌اند و مردم را به فتوای خود می‌گشند و بدین ترتیب شاهد عدالت را بازاری می‌سازند. اینان منصب قضا را مبتذل کرده و وسیله‌ای برای فساد و رشوه‌خواری ساخته‌اند. جایزه فساد، رشوه‌خواری و تقلب را کشورهای مسلمان نایجیریا، پاکستان و افغانستان از دیگران می‌ربایند.

۷- مسلمانان استعداد زنان را به کلی عاطل گذاشته‌اند و جوامع خود را از ظرفیت استعداد زنان محروم و بدین دل خوش کرده‌اند که زنان را "وزیر داخله" خانه مقرر فرموده‌اند و حتی تا بدانجا پیش رفته‌اند که عادت ماهانه و قطع شدن مکلفیت عبادات را در این هنگام به نقص عقل و دین زنان ارتباط داده‌اند و در این رابطه حدیثی را به پیامبر اکرم (ص) نسبت داده‌اند و حال آنکه من در این نسبت تردید دارم زیرا که به حکم (لایکلف الله نفساً الی وسعها) موضوع عادت ماهانه در حوزه انتخاب و اختیار زنان نیست و بنا بر این آنچه در اختیار شخص نیست شخص در آن معذور است و این موضوع به هر صورت نمی‌تواند به نقص دین یا عقل زن رابطه داشته باشد. این لست را به شرط حوصله باز هم می‌توان ادامه داد اما ضرورت این است که ما عمق و فلسفه اسلام را دریابیم و بدانیم که اگر هدف اسلام بهتر ساختن کار این جهان نمی‌بود پیامبر اکرم (ص) در همان غار چرا می‌نشست و عبادت می‌کرد و اصلاً با جهل و تعصب دوران جاهلیت به پیکار بر نمی‌خاست. والله اعلم بالصواب ۲۵ مارچ ۲۰۱۵ بر منگم نگارگر



#### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته‌ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می‌توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.